



پزشکیان به معاینات هر ساله‌ی خویش می‌پردازد!



فارسی‌زبان تلاش خواهیم کرد. کشورهای غربی را به درک واقعیت‌ها و ایجاد روابط مبتنی بر احترام متقابل و جایگاه برابر فرامی‌خوانیم.

▲ اگرچه گزارش‌های کارشناسی وضعیت امروز کشور را پیچیده و دشوار نشان می‌دهد و همه ما شاهدیم که زندگی و معیشت مردم با سختی‌های فراوانی مواجه است؛ اما توکل به قدرت الهی و توانمندی‌های ایران و ظرفیت انسانی مردم این مرز و بوم، عبور از هر چالشی را امکان‌پذیر می‌سازد. فهم مشترک، عزم ملی و اقدام هماهنگ، راه را برای گشودن افق، هموار می‌کند.

▲ مگر خواست مردم برای عدالت، رفع تبعیض، تأمین زندگی عادلانه و شرافتمندانه، پیشرفت صلح و آرامش، به دور از نگرانی، تحقیر و مداخله‌های فراقانونی، چیزی جز حق مصرح ملت در فصل سوم قانون اساسی و ویژگی‌های مندرج در سند چشم‌انداز است؟ پس اختلاف ما بر سر چیست؟ مگر نشانه ولایت‌مداری و التزام عملی به قانون اساسی جز کوشش مشترک برای احترام به این خواست ملت است؟

▲ جهان نیز نیازمند بهره‌برداری از این فرصت کم‌نظیر برای حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و جهانی با مشارکت ایران قدرتمند، صلح‌طلب و عزتمند است.

▲ ما در اوج طوفان‌ها و گردبادهای پرتلاطم منطقه و در پی حادثه هولناکی که منجر به شهادت رئیس‌جمهور شد، یک انتخابات کاملاً رقابتی، سالم و امیدبخش برگزار و در کامل آرامش و همدلی، فصل جدیدی از اداره کشور رقم زدیم.

▲ دولت من، هرگز تسلیم زورگویی، فشار و استانداردهای دوگانه نخواهد شد. تجربه بیش از دو دهه مذاکره با ایران، باید دولت‌ها طرف مذاکره را به این درک رسانده باشد که ما پایبند به تعهداتمان بودیم و خواهیم بود؛ ولی مردم، رهبری و نظام سیاسی ایران، به فشار و زیاده‌خواهی پاسخ نمی‌دهند.

▲ بنیاید با هم از نگرانی‌ها و نارضایتی‌های مردمان خود کم کنیم و ایران و منطقه را به جایگاه شایسته آن در تاریخ، تمدن و فرهنگ معاصر بازگردانیم.

▲ نمی‌توان نام خود را انسان گذاشت و در برابر این همه جنایت سکوت کرد. ما خواهان جهانی هستیم که در آن مردم سرافراز فلسطینی از چنگ اشغال، ظلم و اسارت و نسل‌کشی‌ها شده باشند و رویاهای هیچ کودک فلسطینی زیر آوارهای خانه پدری مدفون نماند.

▲ دولت من، خواهان یک منطقه قوی خواهد بود. منطقه‌ای

که در آن همه کشورهای همسایه بتوانند با هم‌افزایی برای توسعه اقتصادی، پیشرفت و بهبود زندگی آینده، گام مشترک بردارند. منطقه‌ای که امنیت آن به دست کشورهای منطقه تأمین خواهد شد و بهانه حضور قدرت‌های خارجی، از آنها ستانده می‌شود.

▲ منطقه‌ای که اجازه ندهد معدودی افراطی و جزم‌اندیش، قریب به ۲ میلیارد مسلمان، صلح‌دوست و آزاداندیش را گرفتار روایت دروغین اسلام‌هراسی کنند. اسلام دین سلام است و برای مدعیان حقوق بشر که تاریخی ملو از بیگانه‌ستیزی و نقض حقوق مردمان دارند، نمی‌توانند خود را در مسلمانان که نماندند و سردمدار علم بودند، برتر بدانند.

در کمک به دولت حضور فعالی خواهیم داشت

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس‌قوه قضائیه در سخنرانی مراسم تحلیف گفت: «رئیس‌جمهور محترم از ایام انتخابات تا امروز بارها تکرار کرده‌اند که به تاسی از فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام این قدرت را امانت می‌دانند نه طعمه؛ و همه هم خود را در راستای تحقق عدالت و پیشرفت و تعالی کشور به کار خواهد بست.» اژه‌ای افزود: «همانگونه که رهبر فرزانه انقلاب فرمودند قوه قضائیه در هر نقطه‌ای که لازم باشد در کمک به دولت حضوری فعال خواهد داشت و در مسائل اولویت‌دار کشور از جمله مسائل اقتصادی در کنار دولت خواهد بود.»



کنار دولت خواهیم بود

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس که ریاست این جلسه را بر عهده داشت، گفت: «مجلس شورای اسلامی از تمام ابزارهای تقنینی، نظارتی و مشورتی خود استفاده می‌کند تا از دولت محترم در مسیر دشوار پیش رو برای خدمت صادقانه به ملت شریف ایران حمایت کند.» محمدباقر قالیباف، اضافه کرد: «ما مطابق رهنمود صریح رهبر فرزانه انقلاب، موفقیت دولت جدید را موفقیت خود و نظام می‌دانیم و در این راستا تصریحات مکرر رئیس‌جمهور محترم مبنی بر ضرورت اجماع و انسجام داخلی، رعایت سیاست‌های رهبر معظم انقلاب و اجرای برنامه هفتم پیشرفت کشور بهترین مبنای کشور برای تفاهم و همکاری محسوب می‌شود.»



معضلی که حل نشد

این حقوق‌دان تأکید می‌کند که تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ نه تنها معضل را حل نکرده بلکه به آن اضافه هم کرد. به گفته بیات اصلاحات سال ۱۳۶۸، اصلاحات متوازن و دقیقی نبود، یعنی دستکاری که در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ شد به‌رغم اینکه برخی از مسائل و مشکلات مانند اختلاف نظر میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را حل کرد ناخواسته بر برخی ابهامات اضافه کرد و رئیس‌جمهور را به ریاست بر قوه مجریه محدود کرد و او را از عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور ساقط کرد؛ «وقتی رئیس‌جمهور تنها رئیس قوه مجریه باشد، معنایی ندارد که او را عالی‌ترین مقام رسمی کشور بدانیم. رئیس‌جمهور زمانی می‌توانست عالی‌ترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری باشد که مسئولیت اجرای قانون اساسی را هم داشته باشد. وقتی چنین مسئولیتی ندارد بنابراین میان رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس قوه مجریه و رئیس قوه قضائیه و رئیس قوه مقننه عملاً تفاوتی وجود ندارد.»

او این موضوع را هم می‌گوید که براساس اصل ۵۷، با وجود استقلال قوا از یکدیگر اما همه آنها زیر نظر مقام رهبری هستند. در واقع قوای سه‌گانه عملاً استقلال ندارند؛ «مقام رهبری می‌تواند به امور هر یک از قوای سه‌گانه ورود کند و تصمیماتی بگیرد که بعضاً معارض شرح وظایف و اختیارات این سه قوه است. قانون اساسی مشخص نکرده که رئیس‌جمهور چگونه بر قوای سه‌گانه نظارت می‌کند در نتیجه مقام رهبری در قالب حکم حکومتی می‌تواند به مسائل ورود کرده و اقدام به وتوی تصمیمات سه‌قوه کند. مانند طرح اصلاح قانون مطبوعات که وارد مجلس شد اما مقام رهبری حکم حکومتی دادند که این طرح باید از دستور خارج شود. بنابراین امروز به رئیس‌جمهور نمی‌توان گفت که چرا در برابر نقض حقوق و آزادی‌ها سکوت کرده است. زیرا او در پاسخ می‌گوید که براساس تفسیر شورای نگهبان من تنها می‌توانم بر بخش ناظر بر قوه مجریه نظارت کنم. مانند احکام صادره علیه دانشجویان در کمیته‌های انضباطی یا اخراج اساتید و مسائلی از این دست.»

بیات درباره آثار حقوقی سوگند رئیس‌جمهور مبنی بر اجرای قانون اساسی و آنچه که بنا بر نظریه تفسیری شورای نگهبان ایجاد می‌شود، عنوان می‌کند: «با توجه به نظریه تفسیری شورای نگهبان، سوگند رئیس‌جمهور هم تنها بر اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور در قوه مجریه ناظر است. سوگند رئیس‌جمهور باید اصلاح می‌شد، همچنین اصل ۱۲۱ باید به‌گونه‌ای اصلاح می‌شد که با اختیارات رئیس‌جمهور در قوه مجریه منطبق باشد. اما این اتفاق نیفتاده است و عدم توازن که بعد از اصلاحات سال ۱۳۶۸ رخ داد در اینجا خود را نشان می‌دهد. اما به جهت اینکه رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است که مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شود، از امکان سیاسی اظهار نظر پیرامون مسائل قانون اساسی برخوردار است. یعنی به لحاظ سیاسی این وزن را دارد که درباره مسائل مختلف قانون اساسی به‌ویژه حقوق بنیادین ملت و نظام روابط ملت و دولت اظهار نظر کند. اما از توان و امکانات قانونی برای نظارت بر سایر قوا و مجاب ساختن آنها به اجرای قانون اساسی برخوردار نیست.»



مرهم برای زخم‌های سایبری



قادر باستانی تیریزی پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات و رسانه

صاحبان قلم و رسانه کمک کنند، دولت مسعود پزشکیان موفق شود. پیکر ایران عزیز، نزار و خسته است و تاب‌انده و حرمان بیش از این ندارد. این تن، محتاج مرهم است. زخم‌تحریم‌های ظالمانه و بدتر از آن، ناکارآمدی و نابلدی، نابی برای تحمل درد و زخم بیشتر نگذاشته است. لشکر سایبری، قدری استراحت کند. در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده‌ایم که شکست‌ناپذیر راه‌چاره، ملتی را به انحطاط و سقوط خواهد کشاند. هرکس نفاذ نکرده دارد، یاری و همراهی کند. همراهی اهل رسانه آن است که با صداقت و خلوص، چاله و چاه را نشان دهند. مقامات باورشان است که کیان کشور به خطر افتاده، مردم ناامید و بدبین و بی‌شکوه مردمی انقلاب، دچار آسیب گشته و دشمن چشم‌انتظار اضمحلال و فروپاشی از درون شده است. همین بود که در انتخابات اضطراری اخیر، کشتیبان را سیاستی دگر آمد و کورسوی امید با برآمدن پزشکیان در مردم دمیده شد. بازگویی حقیقت، وظیفه بنیادی روزنامه‌نگار است، اما مهم‌تر از آن، پشتیبانی از رشد و توسعه ملی و همراه کردن مردم با برنامه‌های دولت مردمی و ایجاد فضای دوستی و رفاهت و هم‌افزایی میان مدیران و مسئولان و ترویج محاوره، مباحثه و گفت‌وگو برای رفع مشکلات کشور باید باشد. اگر شرایط کشور ما به مرحله‌ای رسیده که همه احساس خطر می‌کنند، بخشی از آن متأسفانه معلول میدان‌داری روزنامه‌نگاری مغرضانه بر فضای رسمی رسانه‌ای بوده است. امروز نظام اسلامی، انتخابات آبرومندی برگزار کرده، امید در دل‌ها باز جوانه زده و انتظار برای بهبود اوضاع رقم خورده است. اگر منتخب ملت، نتواند موفق شود، همه ضرر می‌کنند و اگر موفق شود، ایران سربلند می‌شود. اراده نظام از جلب مشارکت عمومی در انتخابات، یقیناً اصلاح امور بوده است، پس بهتر است میدان رسانه را به نفع قلم‌های پاک، مستقل و میدان‌داری روزنامه‌نگاری توسعه‌گرا و متعهد به پیشرفت کشور، تغییر دهد. شاید سیاستمدارانی که پشتیبان برآمدن روزنامه‌نگاران انقلابی بودند، تصور می‌کردند، قلم‌های معتقد، سالم و فسادستیز پرورش می‌دهند که حق‌مدار و انقلابی حقیقی هستند، اما امروری برکارنامه سه دهه حضور تأثیرگذارشان در عرصه خبر و رسانه نشان می‌دهد، نه تنها این هدف حاصل نشده است، بلکه به‌مانی برای رشد و پیشرفت کشور تحلیل و تعریف نیروهای انقلاب و ایجاد نا رضایتی عمومی از کارآمدی نظام تبدیل شده‌اند. گروهی خودچون‌پندار پدید آمده‌اند که با تضعیف مدیران و

نگاه کارشناس

تفرقه‌افکنی، تشیبه به ریشه نظام می‌زنند. در سی سال گذشته، قلم‌هایی تربیت و سازماندهی و به تحریریه رسانه ملی، نشریات و خبرگزاری‌ها تزریق شده که کارنامه خوبی از خود بر جای گذاشتند. آنها در طول این سال‌ها، بخش بزرگی از توان دولت‌ها برای پیشرفت و سازندگی کشور را گرفته‌اند و دشمنی و عداوت و بدبینی میان نیروهای انقلاب را رونق داده‌اند و اکنون شروع نشده، شاهد زخم‌های سایبری هر روز به پیکر دولت منتخب هستیم. آنها که در دوران اصلاحات، کمترین تخلف را پیرامون خلیفه می‌کردند، دکل دزدی و غارت بی سابقه بیت‌المال و فجاج مدیریتی را در دولت مهروز ندیدند و درصدد توجیه برآمدند. سال ۸۸ در اوج آشوب و برادرکشی، آنها پرچمدار بودند و برآتش تفرقه‌بی‌محابا دمیدند. در هشت سال دولت روحانی از هیچ کارشناسی و تخریب فرونگذاشتند و چنان تصویر برساختند که انگار مقدرات دولت برآمده از تایید شورای نگهبان و تنفیذ رهبری، دست دشمن قسم خورده انقلاب افتاده است. اکنون شمشیر آخته‌شان، پیروز انتخابات را هدف قرار داده و هنوز تشکیل نشده، آماج حملات بی‌دری قرار داده و تحریک گروه‌های فشار و افشار خاص، دستورکارشان شده است. آنها در سایه برخی حمایت‌های ویژه، دسترسی به اطلاعات خاص، رویت‌تی در پیگردهای حقوقی و قضایی و به پشتوانه بالاترین بودجه‌های بیت‌المال، با بسیج قلم‌های گوش به فرمان، تمام هم و غم خود را مصروف زمین‌زدن دولت کرده‌اند. آنها ابایی از این ندارند که نتیجه کارشان در تضاد جدی با تاکید اخیر رهبر انقلاب بر ضرورت وحدت و یک‌صدایی و حمایت از موفقیت رئیس‌جمهور منتخب است. آنها فساد چای دیش را ندیدند، چون در منفعت گروهی‌شان نبود، اما ناچوآنمرده‌چنان جو مومومی علیه قرارداد سودمند و راهبردی کرسنت ایجاد کردند که کسی جرأت پرداختن به ضررهای چند میلیارد دلاری فسخ آن نداشته باشد. آنها در روز روشن، حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند و هراسی از کسی ندارند. آنها از دولت هاشمی که اقتصاد ورشکسته هشت سال جنگ را سامان داد و روی ریل پیشرفت قرار داد و رونق در کسب و کار مردم ایجاد کرد و امید آفرید، تصویر خلاف واقعی در افکار عمومی ساختند که اشرفی‌اوی و دزد و غارتگر است. آنها جرأت و جسارت مدیران پاک و دلسوز را گرفتند و باعث و بانی تزریق نسلی از نامدیران متعلق و کارناپذیر شدند و تبعات ناگوار آن را بر پیکر نظام تحمیل کردند. وجود و حضور قلم و نقد و نظر افرادی مثل حسین شریعت‌مداری و هم‌فکران و تربیت‌شدگان مکتب کیهان، برای فضای سیاسی ایران بسیار مغتنم است؛ به شرط آنکه مستقل از بودجه عمومی و میرا از زارت‌ها و دسترسی‌های ویژه و مصونیت‌های بی‌منا باشند. رسانه تراز انقلاب اسلامی، باید مقید و وفادار به دو اصل باشد: «صداقت» و «شفافیت». صاحبان قلم در رسانه، در کنار رعایت مواردی مانند بی‌طرفی، عنینت، انصاف، تعادل، توازن و رعایت حریم خصوصی شهروندان، باید مدافع منافع عمومی و متعهد به پیشرفت و آبادانی ایران عزیز باشند. همراهی با دولت پزشکیان کافی نیست، باید با نقد و نظر منصفانه و دلسوزانه، همراهی کرد.